

مدیریت جابجایی

دکتر غلامرضا طالقانی

مقدمه

کلمه مهاجرت در غالب موارد به مفهوم تغییر مکان فرد و یا گروه، از منطقه‌ای به منطقه دیگر بکار برده می‌شود. ترک زادگاه و یا محلی که فرد یا گروه، مدت طولانی در آنجا به سر برده و جایگزینی و اسکان در ناحیه‌ای دیگر برای ادامه زندگی، حرکتی است که پایه و اساس هر مهاجرتی را تشکیل می‌دهد. این حرکت، در سطوح متفاوت ابعاد مختلف دارد.

امروزه مهاجرت عمدتاً از روستاها به شهرهاست. بویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی، مکانیزه شدن کشاورزی و در پی آن آزاد شدن نیروی کار در روستاها از یک سو و گسترش و توسعه قطبهای صنعتی و خدمات در شهرها و افزایش نیاز به نیروی انسانی در این بخشها، اساسی‌ترین عامل مهاجرت محسوب می‌گردد. ولی در کشورهای در حال توسعه، اغلب نابودی و اضمحلال کشاورزی محلی و سنتی به همراه ویرانی اقتصاد روستاها در اثر یورش نابودکننده فرهنگ و اقتصاد سلطه‌گر و مصرفی از جمله آشکارترین عوامل حرکت به سوی شهرها به حساب می‌آید. مهاجرت، زمینه و بستر وابستگی اقتصادی و نمود عینی از نابودی خودکفایی کشاورزی و تشدید بخش مصرفی و نهایتاً وابستگی است.

مطالعه در مورد مهاجرت و علل و شناخت ریشه‌های آن و تأثیر اجتماعی و پیامدهای آن در کل سیستم جامعه به تحقیق و کار فراوان نیاز دارد ولی این تحقیق و بررسی نیز می‌تواند به خودی خود آغاز و شروع یک برنامه سازنده در برنامه‌ریزیهای اقتصادی اجتماعی میهن اسلامی باشد.

بازنگری در وضعیت گذشته

در نیم قرن گذشته، حکومت طاغوتی دودمان پهلوی به پیروی از فرمان ارباب بزرگش، (شیطان بزرگ آمریکا) امکانات مملکت را در اختیار تعدادی محدود از خویشاوندان و دستیاران خود گذاشت و در نتیجه، ریشه تولید را در مملکت خشکانید و سپس به

شهرسازی و ایجاد زندگی مصرفی پرداخت و روستاها را فراموش کرده، عشایر را متلاشی و کشاورزی و دامداری را به نابودی کشانید.

در زمینه صنعت در حد مونتاز نهایی قطعات و محصولات میانی، آن هم در یکی دو رشته سودآور برای شبکه هزار فاسیل خود اکتفا کرد و حاضر نشد با یک برنامه‌ریزی اصولی و زنجیره‌ای و استفاده از متخصصان و ابزارهای سریع، تحلیل آماری و ...، نیازهای مملکت را بطور اصولی مشخص کرده و به ایجاد واحدهای تولیدی زنجیره‌ای به منظور استقلال رشته‌های صنعت بپردازد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود چهل درصد به جمعیت تهران و حدود بیست درصد به جمعیت شهرهای بزرگ به علل مختلف افزوده شده و آلونک‌نشینان تهران به خاطر نبود امکانات اولیه زندگی بر اثر برنامه‌ریزیهای غلط رژیم گذشته در زمان طاغوت، خانه‌های روستایی خود را با تمام دلبستگی آباء و اجدادی رها کرده، حاضر به سکونت در حلی آبادها شدند.

متأسفانه می‌بینیم که خانه‌های لوکس ساخته شده در بوئین زهرا و در سایر نقاط مشابه در سراسر کشور همچنان خالی است. همچنین بعضی امکانات تولیدی مانند آب کشاورزی تبدیل به آب مصرفی شهرنشینان و رفع نیازهای تشکیلات غیر تولیدی گردیده که باید در این زمینه چاره اندیشی شود.

مهاجرت و بروز مشکلات

گسترش بافت شهرنشینی از دیدگاه جامعه‌شناسی و اصول توسعه اقتصادی نمی‌تواند با اوضاع و شرایط کشورهای جهان سوم تناسب و تطابق داشته باشد زیرا عواقب وخیمی از جمله مهاجرت روستاییان به شهرها را متوجه ساختار اجتماعی و اقتصادی این کشورها خواهد کرد. در این ارتباط همچنین باید اشاره نمود که سیاست فرهنگ زدایی و مسخ ارزشهای فرهنگی مردم کشورهای جهان سوم تحت سلطه است که به وضوح

می‌بینیم افریقاییان به تدریج به سوی الگوی زندگی و فرهنگ اروپایی کشانده شده، جوامع مشرق زمین نیز با آن همه ذخایر غنی فرهنگی در گرداب غربزدگی غرق شده‌اند.

اگر چه پدیده مهاجرت در طیفی وسیع و گسترده و در سطوح متفاوت، تقریباً در تمامی کشورهای جهان وجود داشته و دارد، لیکن نموده‌ها و پیامدهای آن از کشوری به کشور دیگر با توجه به نظام اقتصادی و مناسبات حاکم بر سیستم تولید در آن کشور، شکل و ماهیتی خاص و متفاوت دارد. گزارش سالیانه توسعه جهانی که در سال ۱۹۸۲ از سوی بانک جهانی توسعه، منتشر شده حاکی از آن است که با توجه به شرایط و اوضاع اقتصادی، می‌توان کشورها را به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول کشورهای صنعتی با اقتصاد متکی بر بازار هستند که صادرات نقش عمده‌ای در چرخش نظام اقتصادی آنان دارد و شامل ۱۹ کشور می‌شود.

دسته دوم کشورهایی که صنعتی بوده لیکن اقتصاد آنها بر بازار متکی نیست و شامل ۶ کشور می‌گردد.

دسته سوم کشورهای غیر صنعتی هستند که در زمره کشورهای در حال توسعه بوده و حدود ۱۰۰ کشور در شمار این دسته قرار دارند.

ریشه‌ها و پیامدها

با توجه به ریشه‌ها و انگیزه‌های مهاجرت و نیز زمینه‌های لازم برای ایجاد یک چنین جریان اجتماعی و هم‌چنین با عنایت به این نکته که سرعت، علتها و پیامدهای این پدیده در کشورهای پیشرفته صنعتی در چارچوب و محدوده‌ای نسبتاً قابل قبول قرار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که اساساً و عمدتاً کشورهای جهان سوم با این روند اجتماعی که زاینده سیاستهای نظام جهانی الحاد است، دست به گریبان هستند. ساخت و یافت شهرنشینی در کشورهای جهان سوم و گسترش بی‌رویه شهرها، که خود بخود به افزایش مصرف و اشاعه روحیه مصرفی می‌انجامد جریانی است که از دیدگاه علمی و جامعه‌شناسی نمی‌تواند با اوضاع و شرایط این کشورها تناسب و تطابق داشته باشد، زیرا با آثار و پیامدهای خود که یکی از مهمترین آنها مهاجرت روستاییان به شهرها، آن هم بر اساس جاذبه‌های کاذب و زودگذر است، عواقب وخیم و نابوده‌کننده‌ای را متوجه ساختار اجتماعی و اقتصادی این کشورها خواهد نمود.

روستاییان که در واقع فعالترین گروه‌های جبهه تولید و تأمین کننده مایحتاج خود و شهرنشینان بوده‌اند، به شهر چشم می‌دوزند و روستانشینی را با همه دلبستگیها رها کرده و شهرنشینی را با همه

ظواهر دلفریب و دردسرها و تضادهایش برمی‌گزینند و زندگی در کنار شهرها و یا نقاط مستضعف‌نشین با حداقل امکانات را می‌پذیرند و خلاصه کلام اینکه روستای خودکفا و تأمین‌کننده ضروریات شهرنشینان، خود وابسته به شهر می‌گردد. بدین ترتیب مهاجرت روستاییان به شهرها، که در حقیقت زوال تدریجی کشاورزی را به دنبال دارد، تولید کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در داخل کشور را که یکی از ویژگیها و عوامل آشکار استقلال بویژه در بُعد اقتصادی است، از حیث امکان خارج می‌سازد. لذا کشور ما نیز در حال حاضر با مهاجرت بی‌رویه، شدید و روزافزون روستاییان به شهرها دست به گریبان است. متأسفانه این روند اجتماعی مخرب بویژه بعد از انقلاب، شتابی نگران‌کننده‌تر از گذشته بخود گرفته است.

اگر چه ریشه‌ها و علت‌های اساسی این مساله عمدتاً به سیاستهای رژیم گذشته برمی‌گردد، لیکن هر نوع سهل‌انگاری در برخورد حساب شده و بر اساس برنامه‌های مدرن با این پدیده، آن چنان خسارات و ضربه‌هایی را بویژه بر پیکر نظام اقتصادی ما وارد خواهد ساخت که به سختی می‌توان در صدد جبران و اصلاح آن برآمد.

علل اصلی مهاجرت

علتهای اصلی مهاجرت را باید عمدتاً دافعه‌های روستا و جاذبه‌های شهر قلمداد نمود. شاید بتوان مهمترین جاذبه شهرها را در دو مطلب ذکر کرد:

۱- عدم تناسب درآمد شهر و روستا به عبارت دیگر، عدم توازن درآمد بخشهای مختلف اقتصادی که شامل خدمات، صنعت و کشاورزی می‌شود.

۲- خدمات و رفاه عمومی از قبیل بهداشت، راه، آب و برق، و امکاناتی که می‌تواند رفاه انسان را پس از درآمد تأمین کند.

مشاهده می‌شود که یک روستایی درآمد بیشتری را با زحمت کمتر می‌تواند به دست آورد و در روستا درآمد کمتر را با زحمت بیشتری فراهم می‌کند. هم‌چنین رفاه و خدمات کمتری در روستا وجود دارد و همین مسائل موجب می‌گردد که مهاجرت از روستا به شهر صورت پذیرد.

مهمترین عوامل اصلی مهاجرت‌های فعلی

برای بررسی ریشه‌های اساسی و بنیادی مهاجرت، مسائل زیر باید مورد توجه و دقت کافی قرار گیرد:

۱- جنبه اقتصادی مهاجرت، بیکاری، کمی درآمد، کمی تخصیص اعتبارات دولتی برای روستانشینان، از بین رفتن زمینه‌های کاری، نرسیدن امکانات تولید که بیش از پنجاه

درصد مهاجرتها را سبب شده است.

۲- فرهنگی، عقیدتی: تبلیغات استعماری گذشته، تبلیغ شهرنشینی به عنوان تمدن، اعتقاد به خوشبینی و بدبینی بعضی اماکن.

۳- امکانات رفاهی و خدماتی، نبودن امکانات رفاهی و خدماتی از قبیل مراکز پزشکی، آموزشی، عدم لوازم اولیه زندگی و عدم امکانات مورد نیاز افراد.

۴- پیروی از سرپرست خانواده و خویشاوندان.

۵- سیاسی: طرد اجتماعی، کوچ دادن اجباری بعضی عشایر و

۶- نظامی: جنگ زدگان و

۷- جغرافیایی: نامناسب بودن آب و هوا و حوادث طبیعی

براساس آمار موجود در چند سال اخیر، مهاجرت به شهرهای بزرگ سال به سال افزایش یافته است؛ به طوری که در سال ۱۳۰۰ از کل جمعیت کشور تنها ۲۸٪ در شهر زندگی می‌کردند که این رقم در سال ۱۳۵۰ به ۴۱/۳٪ جمعیت شهری رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بنا به دلایلی آهنگ مهاجرت روستائینان به شهرهای بزرگ، شتاب بیشتری به خود گرفت. صاحب نظران مسائل اقتصادی و اجتماعی معتقدند که اگر اقدامات وسیعی در زمینه تمرکز زدایی صورت نگیرد تا چند سال آینده جمعیت روستایی کشور به رقم ناچیزی خواهد رسید.

مشکلات و پیامدهای مهاجرت

بطور اختصار و به شرح زیر می‌توان این مشکلات را طبقه‌بندی نمود:

۱- کاهش سرمایه‌گذاری‌هایی که در آموزش و پرورش جوانان باید صرف شود.

۲- کاهش نیروهای متخصص، روشنفکر و کارآ در صورت مهاجرت.

۳- کم شدن نسبت جوانان و مردان جوان، با توجه به مهاجرت غالب جوانان.

۴- کم شدن نسبت ازدواج و ولادت.

۵- مشکلات تأمین بهداشت و مسکن و تغذیه مهاجران.

۶- مشکلات بیکاری و عدم اشتغال.

۷- مشکلات برخوردی که ناشی از اختلاف فرهنگ و آداب و رسوم مهاجران با اهالی بومی بوجود می‌آید.

۸- مشکلات ایجاد مشاغل کاذب شهری.

متقابلاً می‌توان نظریات و پیشنهادهای اصلاح و ارائه راه‌حلها را نیز به اختصار و به شرح زیر چنین ذکر کرد:

۱- ایجاد و گسترش صنایع دستی در سطح روستاهای کشور.

۲- جلوگیری از توسعه صنایع و کارخانجات در سطح شهرها بویژه شهرهای بزرگ.

۳- اولویت دادن به حل مسائل روستایی بویژه مسائل استراتژیک.

۴- افزایش سطح آگاهی و فرهنگ در روستاها.

۵- انتقال تکنولوژی به روستاها و آموزش لازم مربوط به آن.

۶- تخصیص وام‌های طویل‌مدت و اعتبارات لازم در خصوص توسعه کشاورزی به روستائیان.

۷- اولویت دادن به ساخت مسکن روستایی.

۸- حذف جاذبه‌های شهری و افزایش بیشتر امکانات رفاهی - بهداشتی و آموزشی در روستاها.

نتیجه

با توجه به این موارد و پیشنهادها باید اظهار داشت که مهاجران و میهمانان جدید شهرها با تغییر مکان و شرایط زندگی خود و ترک سنگرهای تولید نه تنها مشکلات و معضلات گوناگونی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و موانع گوناگون در مسیر اجرای برنامه‌های توسعه و رسیدن به اهداف خودکفایی در سطح کشور ایجاد می‌نمایند، بلکه خود را همچنین در مجموعه‌ای از پیامدهای پیچیده و دشواریهای ناشی از زندگی شهرنشینی محصور و گرفتار می‌کنند.

لذا این مقطع زمانی حساس کشور و دوران سازندگی بویژه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و عمرانی تاریخ امت اسلامی، فرصتی مناسب برای پرداخت جدی به این مشکل جامعه کنونی، یعنی مهاجرتها و بویژه مهاجرت‌های بی‌رویه است که باید به شکل علمی و با حداکثر توان مطالعه و بررسی گردد. همچنین ضرورت دارد که با شناخت جدی و درک عمیق از ابعاد و ریشه‌های مهاجرت، راه‌حلهای شایسته و مناسبی در تمام عرصه‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دریافت و به مورد اجرا گذاشت.

منابع

- ۱- محسن، منوچهر ۱۳۶۲- جامعه‌شناسی عمومی - انتشارات طهوری - تهران.
- ۲- خسروی، خسرو ۱۳۵۸- جامعه‌شناسی روستایی ایران - انتشارات پیام - تهران.
- ۳- کاسترو، فیدل - ترجمه غلامرضا نصیرزاده ۱۳۶۴ - بحران اقتصادی و اجتماعی جهان - انتشارات امیرکبیر - تهران.
- ۴- وزارت برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران ۱۳۶۵ - خلاصه آمارهای پایه‌ای کشور شماره ۴ - انتشارات مرکز آمار ایران - تهران.